

به نام یگانه معمار هستی

آشنایی با معماری معاصر

معرفی آثار و عقاید فرانک او گری

استاد راهنما: آقای مهندس مبارک قدم

دانشجو: مهدی پا سبردی

دانشکده هنر - دانشگاه ارومیه

دیباچه

"فرم لحظه ای است غوطه ور در حقیقت"

در دنیایی که فرهنگ در حال تغییر دادن خود، از قطعیت های ساده مدرنیسم تا تفسیر پیچیده تر واقعیات بر پایه زیست شناسی، ریاضیات و کیهان شناسی است معماری نیز در اثر رابطه تنگاتنگ با عوامل حیاتی فوق در این میان مسئول است. آیا نگرش جدید به معماری، نوعی تغییر ذهنیت است؟ اگر برآستی الگویی نو در معماری در کار است، پس تغییر و تحول بوجود آمده در علوم، مذهب و سیاست را نیز مورد بازتاب قرار خواهد داد؟ این مقوله گریبانگیر ذهنهای مصنوع و غیر مصنوع در عالم بشریت است.

به هر حال ، می توان آغاز تغییری موضعی را در معماری تشخیص داد، که با دگرگونیهای ژرف جاری در حیطه علوم و زمان مرتبط است و در تمام حیطه های زیستی هم نفوذ خواهد کرد . علوم پیچیده جدید ، فراکتال ها، دینامیک غیر خطی ، کیهان شناسی علمی و سیستم خود تنظیم موجب دگر گونی چشم اندازها شده اند.

ما از نگرش مکانیکی جهان ، به سمت نگرش خود تنظیمی در تمام سطوح ، از اتم به کهکشان ، سفر کرده ایم. نگرش این جهان نو ، که در کامپیوتر نمودی روشن یافته ، همسو با دگر گونی هائی است که اکنون در معماری رخ نموده اند .

ساختمان های شاخص بسیاری وجود دارند که چنین تعهداتی را نشان می دهند که معمارانی چون فرانک گهری ، پیتز آیزمن و دانیل لیبسکیند در آمریکا از آن دسته اند.

چالز جنکس میگوید : " جهان در راهی پیش میرود که تنها دنیای داروینی نیست. داروین بر اساس یک سری نمونه های طبیعی مانند تکامل پرندگان ادعا کرد که جهان به آرامی سرعت می گیرد، اما اگر به تکامل در مقیاسی بزرگتر بنگریم ، تکاملی کیهانی یا تکاملی فرهنگی میبینیم که در حال جهش است و رشدی تصاعدی دارد. این بدان معناست که همه چیز غیر قابل پیش بینی تر از آن است که داروین تصور می کرد و این بطور اساسی دیدی شکفت انگیز تر از دنیاست.

از آنجاییکه که معماری همیشه دنبال این بوده که درک ما از مسائل بزرگ را نماد پردازی کند، مثل اهرام و ... ، و بادر نظر گرفتن جهت گیری جهانی معماری ، در اثر تغییر دیدگاه ما نسبت به علم، معماری نیز با آن متحول می شود و بحث معماری جهش یافته مطرح می شود . ما در ابتدای این راه هستیم و هر چیز جدید در راه پیشرفت عناصر زائد و بیهوده ای ایجاد می کند و ما در این راه باید گام را از گندم جدا کنیم. در این میان فرانک گهری (Frank Owen Gehry) از زمره معمارانی است که با دیدگاهی جهش یافته از رنگ خودش به خلق رویدادهایی معمارانه می پردازد.

او با مد نظر قرار دادن دلالت معناگونی به جنبه های تندیس گونه فرم و نور می پردازد و استعارات مضاعفی را به کار می بندد که به رغم آزاد بودنشان ، با نقش و عملکرد ساختمان گره خورده اند .

برخی نیز ممکن است ذهنی، عارضی یا فرعی باشند. لیکن این استعاره ها در مورد بهترین کاری که در این الگوی تازه می توان سراغ گرفت، فراتر از برآوردهای تصادفی می باشند و به نوعی پیامد آزمون یا خلاقیت خود جوش و ناخود آگاه هستند. اینها در واقع دلالت گرهای در شرف تکوین و چند ظرفیتی، در جستجوی تفسیری آزادند، تفسیری که به عملکرد و وظیفه بنا و زبان معماری خاص مربوط میشود.

## Biography



Frank Owen Gehry

فرانک اُون گِهری در سال 1929 در تورنتو کانادا (Toronto Ontario Canada) متولد شد. او در سن 17 سالگی (1947) به لوس آنجلس مهاجرت کرد.

در حین تحصیل در مدرسه در شرکتی کارآموزی می کرد.

وی مدرک خود را در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و دانشگاه هاروارد از مرکز U.S.C دریافت کرد. بعد از آن بصورت تمام وقت در شرکت (Victor Gruen Associates) مشغول کار شد. بعد یک سال ارتش در مرکز طراحی هاروارد تدریس طراحی شهری را عهده دار شد. (Harvard Graduate School of Design) در سال 1961 به همراه دو دخترش به پاریس مهاجرت کرد و در شرکت (Andre Remonet) مشغول به کار شد. این مدتی را که در اروپا به سر می برد از کلیسا های رومی فرانسه بسیار لذت می برد و تاثیر شگرفی بر روحیات او گذاشت. در سال 1962 به لوس آنجلس برگشت و ماندگار شد. در سال 1963 اولین فعالیت جدی خود را با تاسیس دفتر شخصی خود آغاز کرد. در این مدت، گری از رهبری کارهای عرف تجاری در غالب هنر خود داری می کرد. در سال 1970 دیدگاه خاص خود از معماری را با خلق ترکیبات رنگی خاص و ترکیب بندی بدون بیان مصالح بروز داد. (Collage - compositions out of found materials)

مفاهیم شکل یافته در ذهن معمار عمده تاثیر خود را بر محل زندگی میگذارد.

## طراحی خانه (شخصی) سانتا مونیکا در کالیفورنیا (8-1977-Santa Monica)

اولین جهش معمارانه او در طراحی دوباره منزل شخصی اش جلوه گر می شود. در سال 1977 ماکتی از خانه اش ارائه می کند که به مرحله ساخت نمیرسد و دلیل عمده آن را مد نظر قرار ندادن ابعاد ارزشی خانه قدیمی خود میداند. ویژگی های بارز آن دیدگاهی خاص به مصالح و ترکیب آنها بود که نمی توان بر راحتی برتری تداخل فرمها را بر یکدیگر تمیز داد. کالبد فرمی ساده با نگاهی مرموزانه حاصلی بود که در تمرینات (compositions out of found materials) به آن دست یافته بود.

ماکت خانه گهري به محک واقعیت نخورده و این بدان معنا نیست که ارزش کار او را زیر سوال ببرد بلکه بدین معناست که بین ایده و واقعیت، بین هنر محض و معماری و بین پروژه و ساختمان، مراحل و عوامل بسیاری وجود دارند.

گهري تصميم گرفت تا فانه قدیمی فود را با دید گاهی نو در آغوش کشد. بدین ترتیب او بدون اینکه به ترکیب کلی فانه قبلی دست بزند آن را

گسترش داد.

دیوارهایی از گهري های از

مطابق شیوه های

کارهای و ...

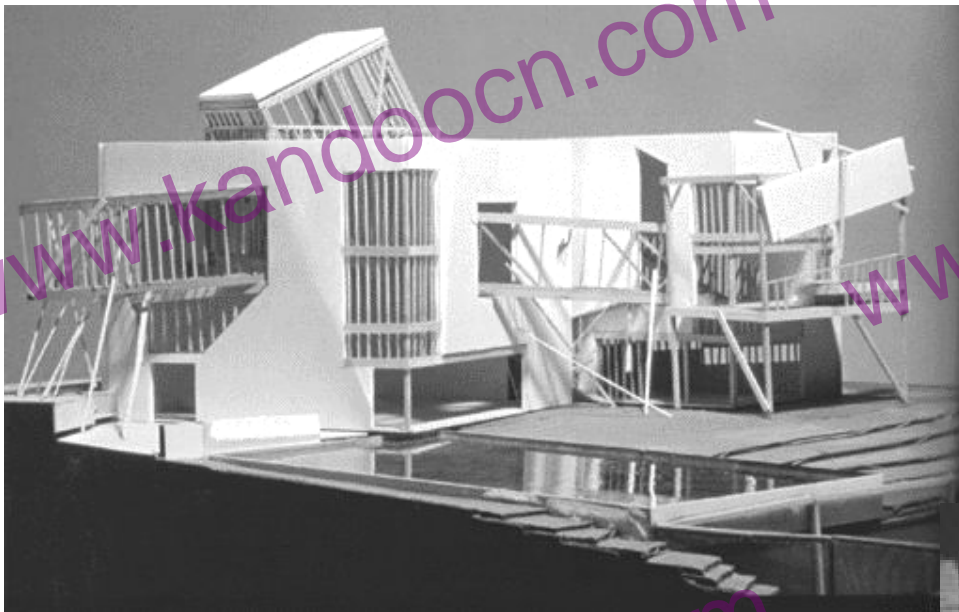
پذیرفتن

میتوانم آن

سعی کردم

ش—وید

ای روی



*Model of Gehry's unbuilt design for the Familian Residence in*

جنکس دارد میگوید آنچه سعی کردم در طراحی خانه ام انجام دهم این مطلب بود که اگر بتوانم کاری را یک مرتبه انجام دهم آیا راه مزته انجام دهم؟ تجربیات متفاوتی را بیاموزم به گونه ای که وقتی شما وارد خانه می نفهمید کدام قسمت جدید است و کدام قسمت قدیمی، و اگر لکه دیوار دیدید نتوانید تشخیص دهید که آیا آن عمدی بوده یا نه.





از آنجاییکه آن خانه من است میتوانم با آن بازی کنم ، لذا سعی کردم که همه این تجربه ها را در آن انجام دهم. در هر بخش ساختمان سعی کردم معمار دیگری باشم و

*Ge rv House at Santa Monica. California. 1979 and*

زبان جدیدی را بکار گیرم . البته وقتی ساخته شد همه یک زبان داشتند و من چیزهای زیادی از خانه ام آموخته بودم .

او در طرح این خانه از عنوان (low-tech-high-design) " تکنیک کم طراحی خوب " بهره برد که شهرت جهانی یافت . دیوارها و توری های حصار قدیمی ، آن را کاملا از دیده پنهان نمی کند ، بلکه دیوارهای صورتی رنگ خانه و بام سبز تیره آن و دودگش قرمز رنگ از درون و برون خانه رخ نمایی میکنند . سیالیت فضایی موج میزند .

نوع اتصالات پنجره در گوشه ها که تفاوت چشمگیری با دقت بی نظیر میس ون دروه در این امر دارد و آن را نوعی سر پیچی از ضوابط میتوان تصور کرد و او را معماری قاعده ناپذیر نامید.

شاید دلیل اینکه او از ضوابط پذیرفته شده عدول می کند این باشد که او می خواهد خانه قدیمی را دست نخورده باقی بگذارد و حصار جدید را بقسمی بسازد که فرمهای تازه با پیچشی که به خود میدهند ، خود را شکندند . مکعبی که اجزای آن را همان اجزای قاب سازه ساختمان را

می شکافد و از آن بیرون می جهد .



در تفاوت کامل با خانه قدیمی باشد . گویی از درون خانه رهایی داده و می چوبی خانه موجود به وجود می آورند،



حیات پشتی خانه انباشته از فرمهایی میشود که دیوار پشتی خانه را مجروح کرده و از آن می‌گیرزند.

*Balcony of Gehrv House at Santa Monica*



بازتاب :

مقاله Mildred Friedman در ماهنامه Museum :

”لوسانجلس تاثیر عمیقی روی گری گذاشت. خانه‌ها بیلاقی گچ اندود، حصار زنجیری، سفاهای اسپانیایی، نخلهای موج، وسعت پهناور اقیانوس آرام و... همه جزء روح معماری او هستند.

*Living room of Gehrv House*



*Winton Gu*

رو بگردی غیر منتظره از دریاچه ارگانیک

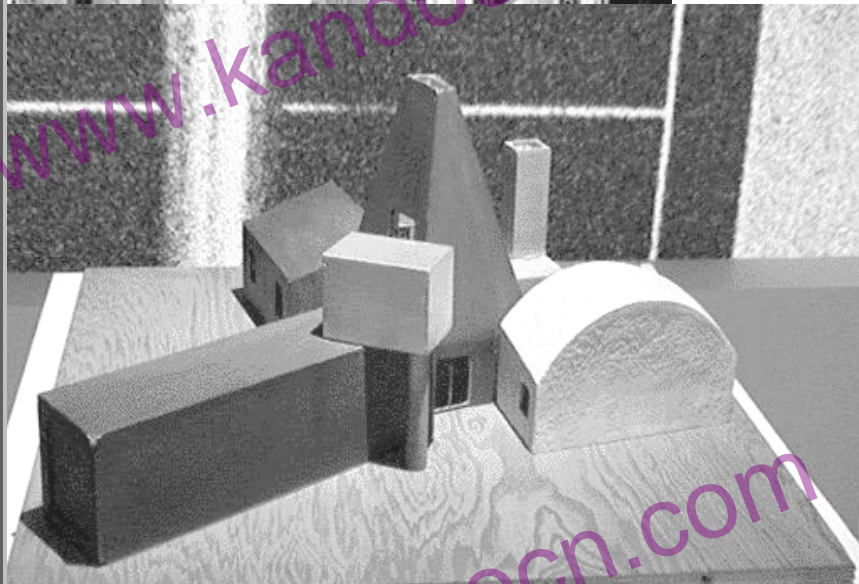


*Living room of Gehrv House*

ماموریتی که گهری را به سمت و سوی معماری ارگانیک سوق داد طراحی خانه *Winton Guest House* در *Wayzata, Minnesota (1987)* بود.

طرح دارای هندسه جسورانه و متفاوت با کارهای قبلی او بود.

بنا از نقاشی بیجان بطری و جام *Giorgio Morandi's* تاثیر گرفته بود



[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

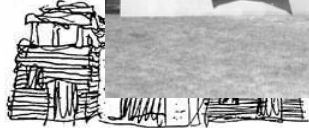
[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)



یک دسته از مستطیل ها، مربع ها، و هرم ها ارزش های عملکردی متفاوت در خانه را نشان می دادند.



و ورق فلز که داشت.



*Model of Winton Guest House In Wayzata, Minnesota*

هر فرم مصالح مفرد خاص خود را داشت - آجر، تخته چند لایه بافت نرم و ظریفی داشت و با کارهای خشن قبلی گهبری انحراف از ویژگیهای بارزی که می توان بدان اشاره کرد:

*Winton Guest House Wayzata, Minnesota (1987)*

استقلال حجم و

مصالح هر فضا

هندسه جسورانه و خشن

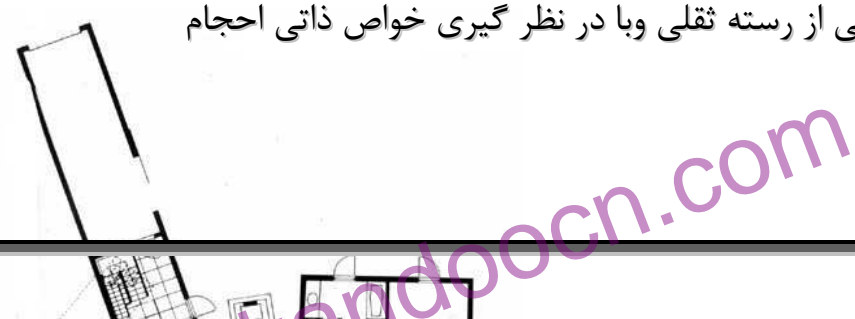
جانمایه ای با روحیه کارهای گذشته اما در پوسته ای جدید

متاثر از نقاشی بیجان بطری و جام *Giorgio Morandi's*

مستطیلها، مربع و سه گوش در بین درختان لانه کره اند مستقل از تاثیر محیط

انفصال خارجی در مقابل اتصال داخلی

جوینتهای بیرونی از رسته ثقلی وبا در نظر گیری خواص ذاتی احجام





جوینتهای درونی بوسیله تداخل پوسته

*Winton Guest House Wavzata. Minnesota (1987)*



*Winton Guest House Interior*

*Nourth Winton Guest House*



طراحی موزه ویترا

## Vitra Furniture Facility and Museum

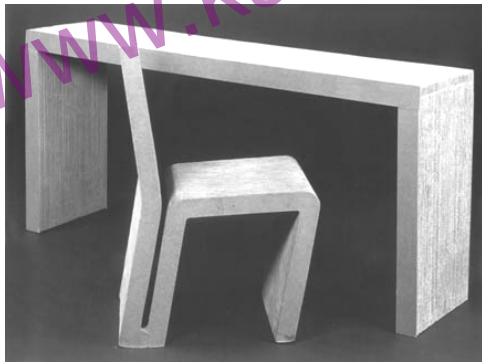


**Vitra International  
Furniture Manufacturing Facility and Museum,  
Weil am Rhein, Germany. Exterior**



این موزه محل نمایش مبلمان و اثاثیه دستساز بود که در سال 1987 در آلمان بر پا شده بود گهری در طراحی این موزه نهایت آزادی را به ماهیت ذاتی فرمها اعطا کرده تا آنگونه که می خواهند ابراز وجود کنند و از خلال گرداب محدودیت ها آگاهانه سر بر کشند . او مقطعی در ذهن خود می آفریند و به اوارزشها ، شرایط و محدودیتها را می آموزد آنگاه او را در سایت رها میکند و می گوید دیگر خودت باش و مسیر زندگی تعریف کن .

او فرمها را همچون کودکی در آغوش ذهن خود می پروراند و به او می گوید سعی کن در مسیر زندگی هدف را دنبال کنی و در برابر مشکلات سر خم نکنی. آیا او پدری دلسوز برای فرزندانش بوده با خیر ؟ البته باید در نظر داشته باشیم که فرزندان او سرد و گرم روزگار را چشیده اند .



*Studying Chair made by Frank Gehry*

فرمها با اشتها همدیگر را میبلعند و در آغوش میکشند

بهره گیری از یک مجموعه فرمهای قدرتمند معمارانه

دگرگونی پیچشی ممتد فرمهای سفید بیرونی

فرمها داخل هم فرو رفته یا به بیرون رانده می شوند

ورودی قدرتمند و دعوت کننده و از دیدگاهی متقارن اما متضاد

معمار نقش سر پرستی فرمها را بعهدده دارد. فرمهایی که زائیده ذهن اویند.

گهری به نور هم اجازه بازیگری می دهد ، دیگر این ذات نور است که بر اساس ویژگیهای

پیدا می کند . نحوه ورود

نیز صدقی بر این مدعا

فرمها مسیر خود را

به فضای داخلی

است .



Main-Entrance

نور



معمار به فرمها آموخته‌است که : عنصری شفاف که بود و نبود شما ها بدست اوست را در یابید  
گهری در پاسخ به اینکه در کارنان فرم خیلی انعطاف پذیری دارد گفت :  
این شبیه آن است که نظامهای منطقی خودتان را در زندگیتان بیافرینید . میدانید که همه ما اینگونه عمل می کنیم ، بنا برین چنین کاری امری طبیعی است. این منطق در کارهایم جاری میشود ، ولی آنچه در این میان اتفاق می افتد چیزی نمی دانم .  
این بار او بازی را با در هم ریختن زبانهای گوناگون معماری و ترکیب آنها آغاز کرد .  
" معماری جانور گونه " ایده تجمع اشکال متفاوت در یک مجموعه واحد ، همانند یک شهر، که در آن ساختمانها با هویت عملکردی متفاوت در کنار هم می نشینند .

### طراحی Walt Disney Concert Hall



گهری در سال 1987 بمنظور طراحی  
گماشته شد.  
طرح مزین به ورقهای ضد زنگ و موج بود  
نشستن طراحی شده بود .  
گهری در این طرح سعی در ایجاد عمق در  
دست یافت .

### Interior of Vitra museum exhibit Chair

کنسرت هال والت دیسنی در لوس آنجلس  
و در فضای داخلی آن 360 درجه محل  
معماری بود که تا حد بسیار زیادی به این امر

### Walt Disney Concert Hall Interior



بنا همچون یخ در حال ذوب شدن سازه را تحت تاثیر قرار می دهد و باز هم مثل همیشه نور مسیر خود را در ساختمان پیدا می کند . انگار فرمها قبل از تثبیت حالت خود نقطه مشترک خود و نور را باز نگه داشته اند .

لولهای مثلی شکل و بادبندی خارجی که در انتظار پوسته خارجی خود هستند تا با وقار خودنمایی کنند .

دیدگاه منتقدان در مورد این بنا جنبه های مختلفی را در بر داشت که از لحاظ کجایی نقاط تاکید افراد قابل بررسی است .

دی کانستراکشن آشغال

معماری زلزله ای

معماری شکسته پکسته



Guggenheim Museum Bilbao



Walt Disney Concert Hall in Los Angeles (1987)

ساخت اثری بمنظور بازگشت به آینده

یک گل سرخ ، نهنگ ، کشتی و ..

ساختمانی که ترکیب همگونی از معماری و

مجسمه سازی و پیکره تراشی است که تعاریف

هم آیش و هم سانی را به مبارزه می طلبد.

رنگین کمانی از جنس تیتانیوم حجم ساختمان را بین جامد و مایع شناور می سازد .  
مبنا و دلیل این تلفیق ها در انگیزه های معمارانه نهفته است . این تلفیق ها حاصل قرائتی  
است از برنامه موزه .

انفجاری از جنس تفکر فرمها را به سخن وا می دارد ، اما آنها چه می خواهند بگویند ؟  
قبل از بررسی کلی طرح بهتر است با شرایط ، ارزشها و پیش محدودیت هایی که معمار با آن دست و پنجه نرم کرد و ذهنیت او را تحت تاثیر قرار  
داد آشنا شویم .  
پیشینه ساخت

### اهداف سافت موزه

دیدگاه جدیدی از هنر و موزه

جهانی کردن مبادلات فرهنگی

توجه به پیشینه تاریخی شهر

افزایش بازدید کنندگان از شهر

مفهوم تجاری وارد قلمرو هنر شود

سابقه شهر رو به فراموشی بود

پیشینه کشتی سازی و فلزکاری شهر مواجه با بحران شده بود

شهر نیاز به نقطه عطفی داشت که شخصیت شهری را تحت الشعاع خود قرار دهد

یکی از ویژگیهای بارز این موزه سرپرستی دوگانه آن بود که رنگ خود را بر طرح موزه  
زد.

بنیاد گوگنهایم از طریق سیستم واگذاری امتیاز احداث موزه در قبال دریافت پول ، قیومیت موسسه ای را در دست گرفت که تحت نام آن مجموعه  
های موزه ای را به نمایش می گذارد .

### سرپرستی دوگانه

هزینه و هدایت توسط

نظارت توسط آمریکا بدها

امپریالیسم فرهنگی

نوع جدید مشارکت؟

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

بازتاب بین مردم

فریب (تحمیل آنچه ما نمی خواهیم)

ارائه طرحی از هانس هولاین

مارپیچی حفر شده در غار و رد توماس کنز (رئیس بنیاد گوگنهایم سابق)

برگذاری مسابقه اجباری

قانون حاکم بر شهر

انتخاب شرکت کنندگان مسابقه

گری، ایسوزاکی (طرح گوگنهایم جدید سوهو، کوپ هیمل بلا)

سه هفته برای طرح و ماکت

داوری در موزه معماری فرانکفورت توسط هاینریش کولتز

این آتشی که شعلهای فلزی آن بر فراز یک دیگر بالا می جهند چه می خواهند بگویند؟



Entrance of Guggenheim Museum, Bilbao, Spain

ویژگیهای موزه در نتیجه قرائت منطقی دو محدودیت مهم بوجود آمده است :

1. جای دادن یک شیء منفرد در یک منظره شهری از پیش موجود

2. رویارویی ظریف آثار هنری با اثر معماری

و بنایی چشمگیر پیش آهنگ این بهسازی ها شد

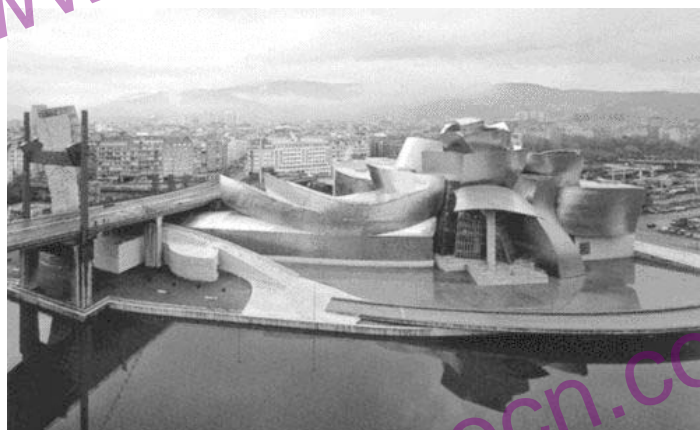
بزرگراه نزدیک آن که از روی رودخانه می گذرد . آتش در کنار رودخانه انتشار میابد

و از زیر پل معلق میگذرد و زبانه می کشد . پوشش ساکن موزه به حرکت منجمد

بزرگراه پاسخ میدهد . بیلباو محصور و نظاره گر این همه بی صداست بنا توجیه وجودش را در

موقعیت مکانی خود یافته است . حتی انحناهای پل گویی ناشی از نیاز به نزدیک شدن و معلق شدن

بر فراز این بنای جدید است و در این ترکیب بندی شرکت می کند .



www.kandoocn.com

www.kandoocn.com



وقتی بر کرانه موزه حرکت می کنیم، با تغییر دیدگاه تصاویری پدید می آیند و محو می شوند. نوک یا بدنه دو کشتی و تصویر رودخانه فعالیت‌های بندری را القا می کنند و کمی بعد تصاویری از عرشه فوقانی زیاده بزرگ در تناقض با تصاویر قبل می آیند، خاطره ها روی هم انبار می شوند. با هیچ جمله ای نمیتوان تصویر واحدی از این پدیده تبیین کرد. با این همه تک تک آنها واقعی اند و هر یادی که برمی انگیزد قابل درک اما فرارند. ابعاد فضایی دورتادور بنا جلوه گرند. از هر طرف

### دوگانگی موجود

شکلهای موقر، روشن متعلق به کف شهرو  
تداوم آن

هندسه کج و معوج پوشیده از فلسفهای از

کف کنار رودخانه میدانچه یا شیبراهه منتهی به  
در منطق دوگانه ساختمان تداوم می بخشد. با  
را باز می تاباند گویی که منبع نو از اوست.

توده های فلزی در مناره رودخانه سر بر  
برخاسته اند. سنگ بر زمین نهاده شده  
بسازد و حرکت پل و بزرگراه را در منطق  
را با اقتدار تمام بردوش می کشد. تضاد  
می خواهد بگوید من قبل از شهر ساخته  
گر شوند.



### جنس فلز خام

آن را در بر میگیرد و حرکت پل و بزرگراه را  
ساختی زبر و ناهموار حالات دگرگون آسمان

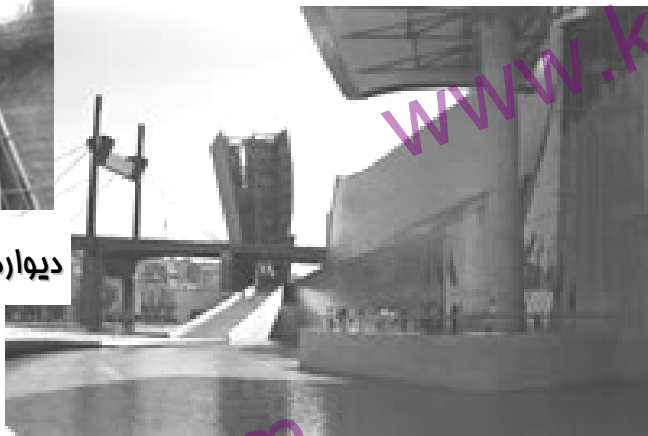
آورده اند و با آب و آسمان به بازی  
است تا میدانچه یا شیبراهه کنار رودخانه را

### Guggenhem همپراز اسکله

دوگانه ساختمان تداوم بخشد. ستونی تنومند از جنس سنگ سایبان فلزی  
سنگ و فلز، تضاد شهر و ساختمان را باز می تاباند و از این رو گویی موزه  
شده ام. مسیرهای ارتباطی در رودخانه غوطه ورنند تا تضادها بیشتر جلوه



عنصر سومی که منطق موزه را زیر سوال میبرد ساختمان آبی رنگ دفتر موزه است. این بخش با بقیه بنا بیگانه است و گویی از چهره ای که شهر در حاشیه رودخانه از خود عرضه کرده سرچشمه گرفته است. در بافت شهری اطراف می توان این ناخالصی را توجیه کرد. اگر موزه این را نداشت، اگر به تقابل تاثیر حجم های سنگی و فلزی قانع می ماند، این خطر وجود داشت که جدا از بقیه بماند و جرئی از شهر نباشد.



پله کانی وسیع از گردشگاه سمت شهر تا سرسرای ورودی که همسطح رودخانه است پایین می آید. مسیر حرکت از آنجا به

دیواره سایبان مموطه ، چشمگیر

سلسله فرمهای خمیده که حجم ها مایه اطمینان قلبی شود. اما سر به سوی بالا می

سایبان مموطه همپراز اسکله سمت آتریوم می لغزد. در نگاه اول

ترین ویژگی آتریوم پهنای آن است و گنجایش عمودی آن که با بصورت تاجی در می آیند بسوی بالا می رود. سنگ در قاعده است. مقیاس انسانی آن سبب می شود که این میل پرواز خنثی

چرخاند. حجم های سفید رنگ در بالا، وقتی نور بر سطوح تیرک هایشان فرو می تابد، در نور به هم میرسند و مشوق حرکت در فضا می شوند. هیچیک برهم ارجحیت ندارند لابلای هم می لغزند و به زندگی خود ادامه می دهند. آتریوم در حال حرکت است، حرکتی که حاصل از جمع اعداد است. مصالح، بازی حجم ها، جهت گیری ها، و... مبنا و دلیل این تلفیق ها در انگیزه های معمارانه نهفته است. این تلفیق ها حاصل قرائتی است از برنامه موزه، مسیرهایی که هم خود در حرکتند و هم آدمها در آن حرکت می کنند. در آتریوم حرکتها به اندیشه شتاب می دهند و این کار را به همان اندازه نابہشیارانه انجام می دهند که شیبهای نا محسوس که در معابر داخلی به گامها شتاب می دهند و یا آهنگ حرکت را کند می کنند. اینها همگی در بحرکت درآوردن چشم به مدد معماری، آن را آماده نگریستن به هنر می کنند.

دید گاه هرمنوتیک انگارانه به طرح، ساختار تندیس گون موزه را دربر داشت. الهامی که یک معمار با مذهب یهودیت، از تندیس ماهی تیتانیومی در دفتر کارش می گیرد و تاثیراتی که متعاقب آن در طرح می گذارد بسیار قابل اهمیتند. در تاثیرات شخصیتی و مذهبی معمار بر طرح شکی نیست.

این روحیه معمار است که در تربیت زیر ساختهای طرح نقش کلیدی را ایفا می کند. موزه بیلباو انرژی منفجر شونده ای (آشکار و زیاد) دارد که آن در پیچیدگی متفکرانه فرم ها موج می زند.

گوناگونی های مختلف اجزای ترکیب دهنده آن در خدمت خاص عملکرد داخلی آن می آیند. موزه با ویژگی های خاص خود شناسنامه ای برای شهر شد. گهری هرگز اجازه نمی دهد مدرنیست، زمینه و گرایش ساختمان او، نمای شهری را تشکیل دهد. او با مواجه ساختن شخصیت و فرهنگ افراد گذشته و حاضر شهر را سرکوب می کند.

### فرایند ساخت

بنایی چون این چگونه طراحی می شود؟ گهری بیشتر به عنوان معمار تا هنرمندی که اغلب مردم او را تصور می کنند، به همراه گروه خود، کار صنعتگرانه جستجو و شکل دادن، (عمدتا با استفاده از ماکت) را آغاز کرد، پیش از آنکه راه حلی را که با صبر و حوصله جزئیاتشان را تدوین کرده بود با کامپیوتر مدلسازی کند.

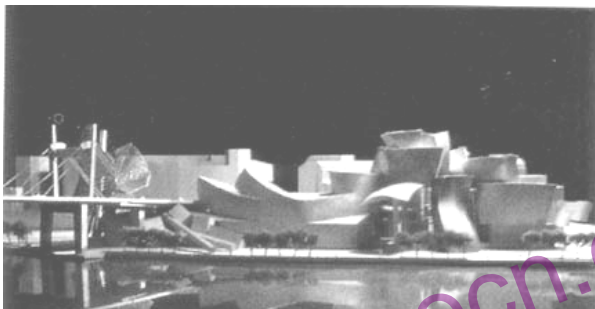
نرم افزار در تبیین گزینه های سازه ای و ساختمانی به کمک او آمد. خطوط اصلی پروژه از آغاز تا پایان تغییرات اندکی کرد، طوری که گویی این داستان درست است که می گویند معمار این بنا را از بالای تپه آرتخاندا بر فراز بیلباو به رویائی در بیداری دیده بوده است.

### تکامل تدریجی

بر خلاف سایر پروژه های گهری که در مرحله اتود دستخوش دگردیسی کامل شده اند، در روند تکامل طرح موزه گوگنهایم می توان تداوم یک نیت و مقصود را دید.

### In titanium

چهار سال مطالعه عمدتاً صرف جستجو برای ادغام بیشتر "گل فلزی" و حجم های پوشیده از سنگ شد. در طراحی که در مسابقه شرکت کرد از این "گل" انتقاد شد که چندان که باید در تعریف فضایی موزه مشارکت ندارد. گهری در صدد بر آمد تا فضای مفیدی را در آن جای دهد،



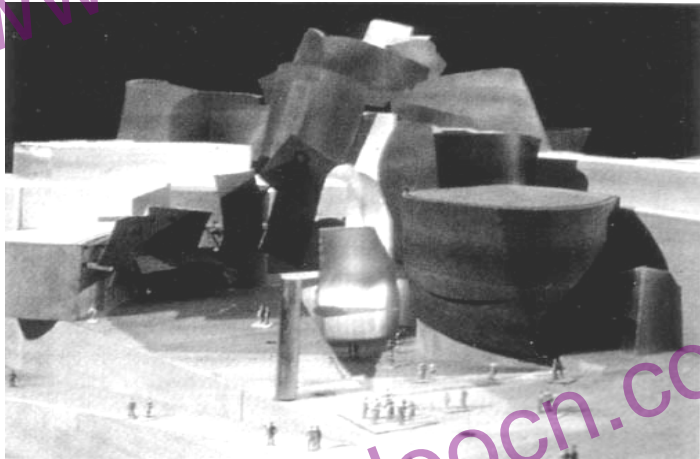
ماکت، نمای ورودی رودخانه، 1992



مانند نگار خانه های معاصر و گالری کشتی مانند مخصوص نمایشگاه های موقتی . از بیرون که نگاه می کردی گل کم کم به اختاپوسی عظیم در می آمد که بین حجم های سنگی در امتداد رودخانه پهن شده است .

ایده طبقه بندی موزه ای ، یعنی نزدیک کردن آثار هنرمندان معاصر به مجموعه های دائمی به این ترتیب تحقق یافت . برج حاصل چندین روایت بود . ابتدا به شکل یک گالری عمودی طراحی شد که نقطه مقابل و پایان دهنده حجم دراز گالری کشتی مانند بود ، اما به این صورت خوب از کار در نیامد . بالاخره تا حد یک نشان شهری ساده که ورودی به شهر از سمت پل و حضور موزه را مشخص میکرد تقلیل یافت .

### آتریوم



در اینجا هدف خلق ادامه ساختمان مدور فرانک لوید رایت ، موزه معروف گوگنهایم نیو یورک بود ، که درعین حال عیب اصلی آن را نداشته باشد. توماس کنز ابراز تمایل کرده بود که فضایی بدون آثار هنری اما با حضوری هنر مندانه و قدرت مندانه ایجاد شود . او آتریومی مانند آنچه آی . ام . پی در لوور و گالری ملی واشینگتن ساخته بود نمی خواست و معتقد بود شبیه لابی های هتل هستند.

گهری از این فرصت استفاده کرد تا یک شاهکار معمارانه بیافریند . آتریوم هم قلب موزه است و

هم شش های آن : همه مسیر های گردش افقی و عمودی در آنجا با هم تلاقی می کنند تا یک طاق جنگلی بسازند که حجم آن بیش از 50 متر بالا میرود تا فضای موزه بتواند نفس بکشد . در ابتدا این آتریوم از حجمهای ابتدایی تشکیل شده بود که بر یکدیگر انباشته شده بودند، اما بعد عمودی فضای داخلی رفته رفته در تنه های محل پلکان با و آسانسور ها حق خود را به کرسی نشاند . آتریوم با الهام از دکور های فیلم مادر شهر فریتس لانگ ، پس از مدتی به یک شبکه چند رسانه ای مجهز خواهد شد و ممکن است حتی تجهیزات رقومی و الکترونیکی هم در آن جای گیرد .





*Viewed from nearby street*

فرایند ساخت بنا که مقوله ای جدا از معماری نیست در نحوه شکل گیری سازه تاثیر گذار است. کارخانجات سازنده مستقیماً از فایل های کامپیوتری برای طراحی و کنترل ساخت اجزا استفاده کرده اند. سازه یکپارچه از فولاد است. سازه نگه دارنده حجمهای خمیده از قطعات راست خط تشکیل شده است که ابعادشان بر اساس شعاع های منحنی تغییر می کند. اسکلت ثانوی که از قطعات خمیده نهاده بر یک شبکه تشکیل شده، توری را تشکیل میدهد که مصالح عایق کاری، آب بندی و پوشش نما بر آن آویخته شده است. گهری ابتدا قصد داشت از فولاد ضد زنگ برای پوشش "گل" استفاده کند، اما آزمایشهای روکش سطح نا موفق از آب در آمد. سپس توجهش به تیتانیومی که تصادفاً در دفترش بود جلب شد. این آلیاژ در برابر رنگ پدیدگی مقاوم است و نور را هم بهتر از فولاد ضد زنگ می گیرد، گرمتر است، بیشتر تغییر می پذیرد و زنده تر است. در آن زمان نیز

### طراحی سازه به کمک نرم افزار های رایانه ای

این بحث که تکنولوژی گریبان گیر تفکر طراح در طراحی می شود و جزئی از معماری او می شود تا حدی رنگ معماران را در این عرصه کمرنگ کرده است، و دوباره شاید مسئله جدایی معمار و مهندس که در دوره اولیه مدرن بوجود آمده بود پر رنگتر جلوه دهد.

اما پیچیدگی اشکال در پروژه چنان بود که روشهای ارئه پروژه بصورت دوبعدی از عهده بر نم ی آمد. کامپیوتر به عنوان تنها ابزار دیداری کردن و اجرا، امکان فنی مسلط شدن بر چند و چون پروژه از لحاظ شکلی و اقتصادی را فراهم آورد. دفتر گهری با استفاده از برنامه کاتیا که در صنایع هوا فضا استفاده می شد، مدل های مطالعاتی را طراحی کردند. سپس کامپیوتر سطوح را تحلیل و بر اساس محدودیت های سازه ای، کارکردی و اقتصادی پروژه آنها را تصحیح کرد. داده های عددی که به این ترتیب بدست آمده بود، بار دیگر بر یک مدل پیاده شد تا حجم ها کنترل شوند و در صورت لزوم تغییر کنند. این رفت و برگشت بین مدل های مطالعاتی و ترجمان رقومی آنها بنیاد شکلی پروژه را بوجود آورده بود. سپس از داده های کامپیوتری برای تهیه پلان های ساخت موزه استفاده شد.

### ساخت

تیتانیوم ارزان بود و از لحاظ مقاومت با فولاد برابری می کرد و می توان آنرا بصورت ورقم مای بسیا نازکی در آورد . در پروژه موزه ورق ها 0.38 میلی متر ضخامت دارند و وزن کمتری دارند . نقشی که با این پوشش ایجاد شده است از حالت یکپارچگی موزه می کاهد و به آن درخشش و حضور شهری می بخشد .

مقایسه بصری در تحول ذهنیت های معماران بر موضوعی ثابت

*The Guggenheim, then, should not be faulted too severely for fooling around with Wright's rotunda, and part of its argument for the new Gehry East River project is that it will house art after 1945 and that Wright's building will house pre-1945 art. That statement, of course, is not a pledge to keep Wright's rotunda sacrosanct, but it is a rationale step in that direction. We should therefore have a lot of Guggenheims!*

## "Is It Safe?"

### The Rotonda at the Solomon R. Guggenheim Museum



Nam June Paik's Installation

Less is More &



Arata Isozaki's Installation



Mor

Frank Gehry's Installation



## e is Different &...

معماری گهری، از یک معماری دو بعدی که سطوح را در مقابل و در تقابل با یکدیگر نشان می‌داد (*Gehry House at Santa Monica*) به سمت یک معماری سیال و سه بعدی گرایش پیدا کرده است و بهترین نمونه کار او در این زمینه موزه گوگنهایم بلبائو است. در این ساختمان می‌توان گفت "سازه تابع فرم" است. اگر میس وندروه شعار کمتر بیشتر است را در معماری مدرن مطرح کرد، او به دنبال "More" کمال بود و در راه رسیدن به آن برخی عوامل را فدای هدف می‌کرد. اما شعار "More is Different" که آن را به گهری نسبت می‌دهند را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که، گهری به وسیله متفاوت‌ها و از راه تضاد به کمال مطلوب، دست می‌آید.

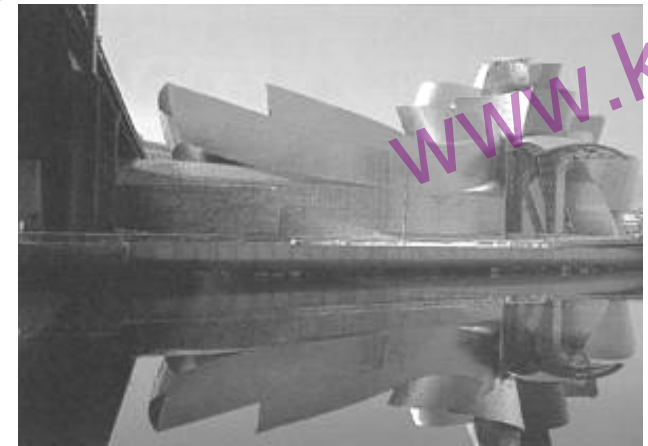
او برای تمام عوامل ارزش قائل می‌شود و اجازه تجلی صفات هر یک از آنها را در فرم و فضا می‌دهد. هیچ چیز فدای دیگری نمی‌شود و هر یک از آنها در کنار هم با یکدیگر به گفتگو مشغولند. مراد گهری از این ناهنجاری‌ها چیست؟ آیا معماری وی نوعی دهن‌کجی به کمال جویی معماری مدرن است که میس ون دروه استاد آن بود؟ آیا پیام معماری او آنقدر با اهداف معماران مدرن در تضاد است که اساس آنها را زیر پا می‌گذارد (در ظاهر)؟

پاسخ به این پرسشها آسان نیست، اما او معماری خود را به حالت ناتمام و در حال شدن باقی می‌گذارد. آیا کیفیت عمده زندگی این نیست؟ آیا در عصر ما، با این همه دگرگونی‌ها، هنوز هم می‌توان به ارزشها و معیارها به صورت ثابت و پایدار معتقد بود؟ گهری از این نظر تنها نیست، بازتاب چنین اندیشه‌هایی در زندگی روزمره خودبا دیدگاهی نو میتوان

دریافت



*Farnzros House, Plano, mis*



*Guggenheim Museum, Bilbao, Spain (1997)*

## ارزش کالبدی در فرایند آموزشی :

گهری در مصاحبه ای که با " بلیز اوزر " در ترکیه داشت گفت :

من براساس تعهدی که در قبال دانشجویان دارم مسیر آموزشی خودم را تعیین می کنم. با خود اندیشیدم ما اساتید اغلب پروژه ای برای یک ترم چهار ماهه ارائه می دهیم ، دانشجویان آنرا طراحی نموده و ما آنرا نقد می کنیم . من همیشه در جستجوی موضوعی بودم که نیاز عملکردی اش بسیار ساده باشد تا دانشجویان بجای اینکه زمان زیادی را صرف سامان دهی این عوامل نمایند ، بتوانند بیشتر به فرم بپردازند . من فرم را لحظه حقیقت (*Moment of truth*) می نامم . لحظه حقیقت زمانی است که شما در مورد شکل ، فضا و زیبایی شناختی ساختمان تصمیم می گیرید . بنا بر این من همیشه به این مسئله می اندیشیدم ؛ حتی سالها پیش زمانی که من در حال اجرای خانه کوچکی بودم هر اتاق را بصورتی یک ساختمان مجزا در نظر گزفتم تا بتوانم نظریاتم را با تعدادی ساختمان تک اتاقه بپردازم . لذا من در پی یافتن پروژه ای برای دانشجویان بودم که بسیار نزدیک به ساختمان تک اتاقه باشد ، همانند یک کلیسای جامع . چنین پروژه ای برای دانشجویان بسیار سخت است زیرا آنها باید در آینه بنگرند و از خود بپرسند که من اساسا چه کسی هستم . همان وقت که من درگیر انتخاب پروژه ای برای دانشجویان بودم ، واقعه 11 سپتامبر رخ داد و فکر کردم که نباید آن را به عنوان پروژه به دانشجویان بدهم ، زیرا چنین پروژه ای بسیار سنگین ، بسیار احساسی و بسیار فرصت طلبانه بود . من واقعا اعتقاد ندارم که آنها باید در آن سایت چیزی بسازند ، بنابراین نمی خواستم بطور اتفاقی بیانیه ای در باره اندیشه هایم بوجود آورم که باید در آنجا چیزی ساخته شود . شهردار

نیو یورک در مصاحبه ای تلویزیونی که به بیان سیاست احداث در محل برج های تجارت جهانی اختصاص داشت میگفت که آنها نباید در " زمینه صفر " بسازند. وی معتقد بود که آنجا باید فضایی ساخته شود که مردم از سراسر جهان به دیدن آن بیایند . من تحت تاثیر گفته های او قرار گرفتم و با خود اندیشیدم که آن چه فضایی میتواند باشد . در اولین تخیلم به یاد نقاشی افتادم که زنی را ایستاده در مقابل پنجره به تصویر کشیده بود . آن زن شال سفیدی بر تن داشت ، شالی که احساس ظرافت زیبایی و الهام بخشی را به تصویر می بخشید . با خود فکر کردم آیا میتوانم چنین کیفیتی در ساختمان بیافرینم . هرچه بیشتر به این موضوع می اندیشیدم بیشتر مجذوب می شدم ، تا تصمیم گرفتم آنرا بعنوان پروژه ای به دانشجویان بدهم . من به

دانشجویان گفتم شما نمی دانید این موضوع چقدر سخت است مگر زمانیکه سعی در انجام آن نمایید . و گفتم من تنها یک فضا می شناسم که دارای چنین رویکردی است ، اگر ما هوشیار باشیم یک " ایاصوفیه " خواهیم ساخت . و برای درک ایاصوفیه و الهام گرفتن از آن به استامبول آمدیم !

## Frank O Gehry - Project Biography

### List of buildings by year construction started:

1968	O'Neill Hay Barn	San Juan Capistrano	California
1970	<a href="#">Hollywood Bowl</a>	Hollywood	California
1970	<a href="#">Ron Davis Studio and House</a>	Malibu	California
1973	<a href="#">Santa Monica Place   Venice Art Walk</a>	Santa Monica	California
1974	<a href="#">Rouse Company</a> Headquarters (Company home page - not much about the building), Exhibit Center, Firehouse	<a href="#">Columbia</a>	Maryland
1977	Ruscha House	29 Palms	California
1979	Los Angeles Children's Museum  (Childrens Museum 301 S Euclid St, La Habra, CA 90631)	Los Angeles	California

1979	Gehry House	Santa Monica	California
1981	Joseph Magnin Store	Costa Mesa	California
1981	<a href="#">Loyola University Law School</a>	Los Angeles	California
1982	Wosk Residence	Beverly Hills	California
1982	<a href="#">Goldwyn Branch Library</a> [ <a href="#">Building review</a> ]	Hollywood	California
1982	California Aerospace Museum [ <a href="#">Building review</a> ]	Los Angeles	California
1983	Norton House [ <a href="#">prints for sale</a> ] [ <a href="#">Building review</a> ]	Venice	California
1984	Edgemar Development [ <a href="#">News article</a> ]	Santa Monica	California
1984	Winton Guest House	Wayzata	Minnesota
1985	Herman Miller Facilities	Rocklin	California
1985	<a href="#">Yale Psychiatric Institute</a>	New Haven	Connecticut
1986	Schnabel Residence	Brentwood	California
1986	Venice Beach House	Venice	California
1986	Fishdance Restaurant [ <a href="#">Convergence of Architecture and Sculpture</a> ] [Guardian Article ]	Kobe	Japan
1987	<a href="#">Vitra Design Museum</a>	Weil-am-Rhein	Germany

Some generic Architecture sites (these will be reviewed later in April 2001):

- <http://www.sitesarch.org/reviews/GehryBil.htm>
- [www.arcspace.com](http://www.arcspace.com).
- <http://www.comune.moderena.it/capitale/norta/meble1.jpg>.
- Furniture -



1988	American Center [ <a href="#">"Galinsky" article</a> ]	Paris	France
1989	<a href="#">Walt Disney Concert Hall</a>	Los Angeles	California
1990	<a href="#">University of Minnesota Art Museum</a>	Minneapolis	Minnesota
19??	" <a href="#">Ginger and Fred</a> " - Rasin Building, Jiraskuv Bridge	Prague	Czech Republic
1997	<a href="#">Guggenheim Museum</a> Bilbao	Bilbao	Spain
1999	<a href="#">Experience Music</a> Project	Seattle	Washington
2000	Conde Nast: Titanium Café, Times Square	New York	New York
2000 (?)	Guggenheim 3	New York	New York
2000	<a href="#">Marques De Riscal</a> Winery	Elciego	Spain
2000	Weatherfield Management School	Cleveland	Ohio
2001 (?)	Corcoran Museum Wing	Washington	DC
2001 (?)	Millennium Park Bandstand and Bridge	Chicago	Illinois

***THE END***